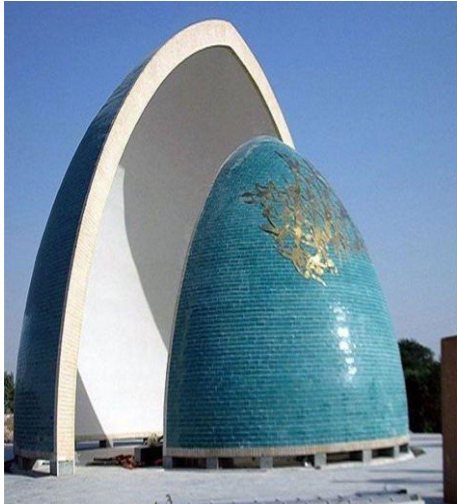


به نام خداوند جان و خرد

گروه دبیران ادبیات ایران

آرامگاه شادروان قیصر امین پورگتوند خوزستان



شعر خوانی پایه یازدهم غزلی از شادروان قیصر امین پور

صبح بی تو

دانش افزایی دبیران و دانش آموزان :

ابتدا نوع ادبی و لحن غزل

نوع ادبی این شعر، ادب غنایی است □ *

یکی از انواع چهار گانه ادبی، شعر غنایی

است که بیان عاطفه و احساسات و الام و یا لذتهای شاعر است .

شعرها ممکن است از روی شادی و یا غم و غصه سروده شده باشند

این نوع، از ژانرهای ادبی پرتعداد در ادبیات فارسی است و شامل مدح، تغزل، وصف، مرثیه، ساقی نامه و ...

می شود

. شعر غنایی در سه شکل کوتاه (رباعی و دو بیتی) (غزل و قطعه) و بلند (مثنوی) جلوه می کند

یکی از زمینه های مهم شعر غنایی بعد اجتماعی ان است برای مثال مناخات سنایی، حبسیه ی مسعود سعد، غزل حافظ، طنز عبید زاکانی و مرثیه بهار، دارای پیام مهم اجتماعی هستند .

??

. لحن یعنی اواز خوش و موزون، نوا، کشیدن صدا، یا اجتماع حالتهای صدهای مختلف

لحن نحوه ی خواندن و بیان کردن جملات است با توجه به شرایط موجود و فضای حاکم بر جمله و کل متن

در کارگاه تحلیل گذشته در مورد انواع

لحن سخن گفته شد و امشب در مورد لحن تغزلی صحبت می کنیم

لحن تغزلی

لحن تغزلی: شعر تغزلی، شعری است که با احساسات و عواطف انسان سروکار دارد. در این گونه متن ها خواننده (باید با ظرافت تمام، نهایت احساس را به مخاطب منتقل کند . بیان او بایستی نرم و لطیف باشد و کلام آهنگین . و تأثیر گذار ادا شود. خواننده با کشش های آوایی، آن هم به صورت لطیف، بر تأثیر خوانش خود بیفزاید

??

مهمترین کار یک خواننده به هنگام

خواندن شعر، به ویژه غزل، ترکیب لحن

ها با یکدیگر است؛ زیرا در غزلیاتی

مانند اشعار حافظ، غیر از آن که هر بیت

با بیت های قبل و بعد از خود لحن

متفاوتی دارد، در هر بیت نیز از چند لحن

استفاده شده است. به این غزل زیبا توجه کنید

۱۲ اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را به خال هندویش بخشم سم — ترقندو بخارا را

۱۳ بده ساقی می باقی که در جنت نخواهی یافت کنار آب رُکناباد و گلستگشت مصلاً را

۱۴ افغان کاین لولیان شوخ شیرین کار شهر آشوب چنان بردند صبراز دل که ترکان خوان یغمارا

۱۵ زعشق ناتمام ما جمال یار مُستغنی است به آب و رنگ و خال و خط چه حاجت روی زیبارا

۱۶ من از آن حسن روز افزون که یوسف داشت دانستم که عشق از پرده ی عصمت برون آرد زلیخارا

۱۷ اگر دشنام فرمایی و گر نفـرین، دعا گویم جواب تلخ می زبید لب لعل شکرخا را

۱۸ نصیحت گوش کن جانا که از جان دوست تر دارند جوانان سعادت مند پند پیـر دانارا

۱۹ حدیث از مطرب و می گوی و راز دهر کمتر جو که کس نگشود و نگشاید به حکمت این معما را

۲۰ غزل گفتمی و در سفتی ، بیا خوش بخوان حافظ که بر نظـم تو افشاند فلک عقد ثریا را

(حافظ، ۱۳۸۲: ۵۴)

در بیت اول ، ابتدا با لحن جملات شرطی

مواجهیم و بلافاصله در مصراع دوم به

۱۲ لحنی برای فداکردن همه چیزها برای یار نیازمندیم؛

در بیت دوم ابتدا فعل امر بالحنی

خواهشی و در همان حال لحنی حاکی از

تعریف کردن از مکانی که از بهشت

۱۳ خوش تر است؛

در بیت سوم با لحنی ناشی از افسوس یا

اندوه بر چیزی ارزشمند که غارت شده

است روبرو می شویم؛

بر گرفته از کتاب مبانی خواندن در زبان فارسی

دکتر اکبری شلدره ای

کانال ادبیات جامع یازدهم و دوازدهم <https://t.me/adabiyatjame11>

تحلیل درس :

وزن این غزل فاعلاتن ۴ بار (بحر رمل مثنی = ویژه ی رشته انسانی)

صبح بی تو رنگ بعد از ظهر یک ادینه دارد-۱

بی تو حتی مهربانی حالتی از کینه دارد

قلمرو زبانی □ *

بیت دو جمله دارد/صبح و بعد از ظهر :تناسب/صبح :نهاد/رنگ بعد از ظهر یک ادینه :مفعول/تو :متمم/ظهر :متمم
یک: صفت شمارشی (صفت مضاف الیه)/ادینه :مضاف الیه/مهربانی :نهاد/از :حرف اضافه/کینه :متمم

قلمرو ادبی □

مهربانی و کینه :تضاد/کینه داشتن مهربانی :متناقض نمایی تو :تکرار/صبح و بعد از ظهر :مراعات نظیر/کینه و
ادینه :قافیه/رنگ :مجاز از جلوه/مصرع دوم :واج آرایی/تشبیه:صبح بی تو مشبه/بعد از ظهر یک ادینه مشبه به/
دلنگی وجه شبه

قلمرو فکری □ *

. صبح زمانی است که تاریکی و ظلمت شب بساط خود را جمع می کند و جای خود را به نور می دهد

. قیصر حتی صبح و روشنایی را بدون دیدار موعود چون عصر جمعه دلگیر می داند

نهایت دلتنگی شاعر از غیبت امام زمان

غم منتظران امام از غیبت ایشان

اشاره دارد به غم بعد از ظهر جمعه ها و فضای یاس و ناامیدی

کانال ادبیات جامع یازدهم و دوازدهم <https://t.me/adabiyatiame11>

بی تو می گویند: تعطیل است کار عشق بازی-۲

عشق اما کی خبر از شنبه و ادینه دارد

قلمرو زبانی □ *

تو: متمم/می گویند: فعل مضارع اخباری/تعطیل: مسند/است: فعل اسنادی/کار عشق بازی: گروه نها دی/عشق:
نهاد/کی: قید/خبر: مفعول/شنبه: متمم/و: واو عطف/آدینه: معطوف به متمم/دارد: فعل/مصرع دوم: پرسش انکاری

یای عشقبازی: مصدری/بیت سه جمله دارد/مصرع اول به شیوه بلاغی/ادینه و تعطیل: تناسب/شنبه و ادینه

:تناسب/کار و تعطیل: تناسب

قلمرو ادبی □

عشقبازی تعطیل است استعاره مکنیه و تعطیل: قرینه/عشق خبر دارد: استعاره و تشخیص/شنبه و ادینه: تضاد و
مراعات نظیر/شنبه و ادینه: مجاز از همه ی روزها/شنبه و ادینه: مراعات نظیر/کار و تعطیل: مراعات نظیر

قلمرو فکری □ *

عاشق از عشق معشوق خسته نمی شود/عشق زمان نمی شناسد

جغد بر ویرانه می خواند به انکار تو اما-۳

خاک این ویرانه ها، بویی از ان گنجینه دارد

قلمرو زبانی □ *

جغد: منکران ظهور امام زمان/ جغد و ویرانه: تناسب/ بیت دو جمله دارد/ جغد: نهاد/ ویرانه: متمم/ می خواند: فعل
انکارتو: متمم/ خاک این ویرانه ها: نهاد/ بویی از آن گنجینه ها؛ مفعول/ آن: متمم/ ویرانه: مفعول/ دارد: فعل
خاک این ویرانه: گروه اسمی/ خاک: هسته/ ویرانه: وابسته پسین- م الیه/ این: وابسته ی وابسته- صفت م الیه
ترکیبهای وصفی: این ویرانه و آن گنجینه

قلمرو ادبی □

بو داشتن ویرانه: کنایه از نشان از چیزی داشتن/ گنجینه: استعاره از امام زمان که گنجی از عدالت در سینه دارد
جغد استعاره از مخالفان و منکران امام زمان/ ویرانه: استعاره از سرزمینی که منکران ظهور در آن زندگی می
کنند/ خاک: مجاز از سرزمین

قلمرو فکری □ *

با این که منکران ظهور با ناامیدی وجود تو را انکار می کنند اما همین ویرانه ها نشانه ای از ظهور تو را که
چون گنجینه ای هستی، دارند (ظهور تو را حتمی می دانند)

خواستم از رنجش دوری بگویم، یادم آمد- ۴

عشق با ازار، خویشاوندی دیرینه دارد

قلمروز بانی □ *

بیت ۴ جمله دارد/ نهاد در مصرع اول: محذوف/ بگویم: مضارع التزامی/ رنجش: اسم مصدر/ یادم آمد: از أفعال یک
شخصه ضمیر پیوسته به فعل چسبیده

/خواستم: ماضی ساده/ دارد: مضارع/ از رنجش: متمم/ دوری: مضاف الیه/ خویشاوندی دیرینه: مفعول

خویشاوندی: هسته/دیرینه: صفت نسبی - وابسته/یای دوری: مصدری/دوری: غیبت امام زمان و انتظار

قلمرو ادبی [۲]

عشق خویشاوندی دیرینه دارد: استعاره مکنیه و تشخیص/واج ارایی: م

قلمرو فکری □ *

قرابت معنایی با ابیات زیر:

در زلف چون کمندش ای دل مپیچ کانا

سرها بریده بینی بی جرم و بی جنایت

ناز پرورد تنعم نبرد راه به دوست

عاشقی شیوه ی رندان بلا کش باشد

معنی: خواستم از رنج دوری از او گله کنم اما یادم آمد که عشق با رنج خویشاوند است

مفهوم کلی: توام بودن عشق با درد و رنج و یاران امام زمان برای انتظار امام زمان سختی های بسیاری تحمل می کنند

در هوای عاشقان پر می زند با بی قراری-۵

ان کبوتر چاهی زخمی که او در سینه دارد .

بیت دو جمله دارد/مصرع اول شیوه بلاغی/ان کبوتر چاهی زخمی: نهاد/مفعول فعل دارد:او

دارد: مضارع/هوای عشق: متمم/تو: مضاف الیه/سینه متمم/آن کبوتر چاهی زخمی/

آن: صفت اشاره/کبوتر؛ هسته/زخمی: صفت/نهاد فعل پر می زند: کبوتر چاهی زخمی
کبوتر چاهی با حذف کسره به یک واژه تبدیل شده است

قلمرو ادبی [۲]

هوا: ایهام یک معنی ارزو یک معنی هوا/کبوتر: زخمی، پر کشیدن، چاهی، بی قراری مراعات نظیر
هوا، عشق، سینه: مراعات النظیر/ کبوتر چاهی زخمی: استعاره از قلب امام زمان
کبوتر نماد دلتنگی برای امام زمان در اشعار قیصر امین پور

قلمرو فکری □ *

قلب امام زمان با زخمی که در سینه دارد در آرزوی عاشقانش پر می کشد.

مفهوم کلی: ارتباط دوگانه بین امام و منتظرانش در ابیات قبل از رنج دوی از تمام در منتظرانش سخن به میان
آمده و عشقش در دل منتظرانش وجود دارد و در این بیت اشاره میکند که آن بزرگوار هم مانند کبوتری مشتاق
و آرزومند عاشقانش هست که در هوای آنها به پرواز در می آید

مصرع اول با این بیت مولانا ارتباط معنایی دارد

در هوایت بی قرارم روز و شب

سر زکویت بر ندارم روز و شب

: و همچنین کل بیت با این بیت ارتباط معنایی دارد

بکن معامله ای وین دل شکسته بخر

که با شکستگی ارزد به صد هزار درست

در اشعار قیصر امین پور کبوتر نماد دلتنگی برای امام زمان است

ناگهان قفل بزرگ تیرگی را می‌گشاید-۶

ان که در دستش کلید شهر پر آینه دارد

قلمرو زبانی □ *

ناگهان: قید/قفل بزرگ: ترکیب وصفی/قفل بزرگ تیرگی: گروه مفعولی/قفل: هسته‌بزرگ وابسته؛ صفت تیرگی: وابسته؛ مضاف الیه/ای تیرگی؛ ای مصدری/کلید شهر پر آینه: گروه مفعولی/پر آینه: صفت شهر کلید: هسته/شهر: مضاف الیه و وابسته/پر آینه: صفت مضاف الیه؛ وابسته ی وابسته/دست: متمم/ش در دستش: مضاف الیه/بیت یک جمله مرکب است/می‌گشاید: مضارع اخباری/قفل و کلید: تناسب

قلمرو ادبی □

قفل، کلید، گشودن: مراعات/قفل گشودن: کنایه از حل مشکل/مصرع اول واج ارایه در صامت ک/قفل بزرگ تیرگی: اضافه ی تشبیهی/تیرگی: استعاره از ظلم و ستم/شهر پر آینه مجازو استعاره از: دل زلال منتظران حضرت مهدی/آینه: نماد روشنی

قلمرو فکری □ *

ناگهان ان کسی که صاحب دل‌های پاک و زلال و شفاف منتظران است می‌آید و آنها را که مورد ظلم و ستم قرار گرفته اند، نجات می‌دهد

حضرت مهدی نجات دهنده ی انسانها از ظلم و ستم و برپادارنده ی آزادی و عدالت است

ارتباط معنایی با این بیت خود شاعر

تویی از حوالی اقلیم هر کجا اباد

بیا که می رود این شهر رو به ویرانی

درک و دریافت شعرخوانی صبح بی تو فارسی یازدهم

۱- در خوانش این سروده به چه نکاتی باید توجه کنیم؟

باتوجه به اینکه قالب شعر غزل است لحن این شعر تغزلی و عاطفی است. بیان باید بسیار نرم و لطیف باشد و کلام آهنگین و تاثیرگذار ادا شود و با ظرافت تمام احساس و عواطف شاعر را منتقل کند تا توجه به عمق و محتوای شعر بیشتر شود.

۲. انتظار موعود یکی از مایه های ادبیات انقلاب اسلامی است برای مبنای متن شعرخوانی را بررسی کنید

در این غزل شاعر عشق و علاقه خود را نسبت به امام زمان بیان نموده است و دلتنگیهایی که منتظران در غیبت دارند و در نهایت به دل تنگی خود امام زمان برای ظهور اشاره شده است. کسی که کلید شهر پرآینه را در دست دارد و با ظهورش بساط ظلم و ستم را بر می چیند

به کوشش: بانو سهیلا محسنی ، استان تهران ، گروه دبیران ادبیات ایران

<https://t.me/adabiyatjame11> **کانال ادبیات جامع یازدهم و دوازدهم**